

## حرف اضافه

حروف اضافه کلمه‌هایی هستند که معمولاً کلمه یا گروهی را به فعل، جمله یا به صفت و اسمی نسبت می‌دهند و آن‌ها را به آن وابسته می‌کنند. به کلمه یا گروهی که به فعل نسبت داده می‌شود، **مُتَمَم** می‌گویند. حرف اضافه از نظر ساختمان به دو شکل است:

## ۱. حرف اضافه‌ی ساده

با، از، به، برای، تا، در، مانند/مثل، بدون، جز/غیر/مگر، — اضافه<sup>۱</sup>

۲. حرف اضافه‌ی مرکب<sup>۲</sup>

به محض، بدون، بعد از، قبل از، به جای/در عوض/به عوض، به علت/به دلیل/به خاطر/در نتیجه‌ی، به منظور/به خاطر/باهداف/درجهت، اضافه‌بر/علاوه بر/به علاوه‌ی/گذشته از، در صورت/به شرط/با شرط، با وجود/به رغم/علی‌رغم/برخلاف، به جز/غیر از.



به این حروف، حروف اضافه‌ی غیر فعلی هم گفته می‌شود. چون این حروف با هیچ فعل خاصی استفاده نمی‌شوند. این حروف در جمله همراه «اسم» یا «مصدر» می‌آیند.

## حروف اضافه‌ی ساده

بعضی از حروف اضافه‌ی ساده، حروف زیر هستند:

## با

۱. برای نشان دادن همراهی

نمونه: او با پدرش به مدرسه رفت.

۲. به معنی «به وسیله‌ی»

نمونه: من با اتوبوس به خانه رفتم.

۱- ر-ک- به بخش اسم، همین کتاب.

۲- تمرین‌های مربوط به این بخش در بخش حروف و کاربردشان است.

۳. به معنی کمک کردن و همراهی در کاری

**نمونه:** او با مادرش این کار را انجام داد.

۴. به معنی هم زمانی

**نمونه:** با آمدن بهار، درختان سبز می‌شوند.

## از

۱. برای شروع زمان و مکان استفاده می‌شود و معمولاً همراه «تا» می‌آید.

**نمونه:** زمان؛ از ساعت چهار تا حالا اینجا نشسته‌ام.

مکان؛ از اینجا تا خانه ۳ کیلومتر راه است.

۲. برای نشان دادن جنس چیزی

**نمونه:** این کیف از چرم ساخته شده است.

۳. برای نشان دادن علت یا دلیل چیزی

**نمونه:** او از هوای سرد مریض شد.

## به

۱. به معنی «به طرف»

**نمونه:** او به خانه رفت.

۲. به معنی «نسبت به»

**نمونه:** فوتبال را به تنیس ترجیح می‌دهد.

۳. به معنی «برای»

**نمونه:** او به خواهرش نامه نوشت.

۴. برای «سوگند خوردن»

**نمونه:** به خدا، من به موقع آمدم.

## برای

۱. برای نشان دادن علت چیزی

**نمونه:** برای دیدن او به خانه‌اش رفتم.

۲. به معنی «درباره‌ی»

**نمونه:** برای کارم پیش او رفتم.

## تا

برای نشان دادن پایانِ زمان و مکان

**نمونه:** زمان: از دیروز تا امروز اینجا هستم.

مکان: از اینجا تا مشهد راه زیادی است.

## در

۱. برای نشان دادن ظرفیتِ مکانی یا زمانی

**نمونه:** زمان: در آن موقع شهر تعطیل بود.

مکان: در این خانه هیچ اتاقی خالی نبود.

۲. به معنی دربارهِی

**نمونه:** در این زمینه چیزی نمی‌دانم.

## مانند / مثل

برای نشان دادن شباهت چیزی

**نمونه:** دوستم مانند/مثل برادرم بود.

## بی

برای نشان دادن نبودن چیزی (هم معنی بدون)

**نمونه:** بی/ بدون کتاب سرِ کلاس آمد.

## جز / غیر / مگر

این حرف به معنی استثنا به دو شکل استفاده می‌شود.

**نمونه:** همه به کتابخانه رفتند، جز/مگر استاد تاریخ.

همه این غذا را دوست داشتند، مگر/جز من که آن را دوست نداشتم.

## کسره‌ی اضافه

برای اضافه کردن اسمی به اسم دیگر یا صفت و موصوف استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

۱- رک. بخش اسم و صفت، همین کتاب.

### خلاصه کاربرد حروف اضافه ساده

با	همراهی - به وسیله‌ی - کمک - هم زمانی
از	شروع زمان و مکان - جنس - علت و دلیل
به	به طرف - نسبت به - برای - سوگند خوردن
برای	علت - درباره‌ی
تا	پایان زمان و مکان
در	ظرفیت مکانی یا زمانی
مانند/مثل	شبهات چیزی
بی	نبودن چیزی
جز/غیر/مگر	استثنا
کسره	برای اضافه کردن دو اسم یا اسم و صفت

تمرین



در جاهای خالی حرف اضافه‌ی مناسب بنویسید.

۱. آنها ..... این مورد چیزی نوشتند.
۲. شما ..... این موضوع چیزی می‌دانید؟
۳. آنها همیشه ..... خودکار می‌نویسند.
۴. شما ..... آنها کار می‌کردید؟
۵. او از اینجا ..... مدرسه پیاده رفت.
۶. همه با اتوبوس رفتند، ..... او که دوچرخه دوست داشت.
۷. ما ..... همه نامه فرستادیم.
۸. شما ..... کار پیش او رفتید.
۹. آنها ..... مجسمه عکس گرفتند.
۱۰. ما ..... ماشین به مسافرت نمی‌رویم.
۱۱. شما ..... هم این کار را انجام دادید.
۱۲. او روستا را ..... شهر ترجیح می‌دهد.
۱۳. ..... شروع سرود ملی، همه از جایشان بلند شدند.

۱۴. همه به مسافرت رفتند، ..... پدر بزرگ.
۱۵. شما ..... استاد حرف زدید؟
۱۶. من ..... کامپیوتر کار می‌کنم.
۱۷. تو ..... این لباس زیباتر هستی.
۱۸. اینجا ..... خانه‌ام است، اینجا را خیلی دوست دارم.
۱۹. او ..... این کار علاقه دارد.
۲۰. آشپز ..... همکاری کار نمی‌کند. منتظر اوست.
۲۱. من ..... او این مهمانی را گرفتم.
۲۲. شما ..... اینجا تا شهر پیاده رفتید.
۲۳. اینجا هیچ کس ..... مدرک کار نمی‌کند.
۲۴. شما ..... این شهر رفتید.
۲۵. شما ..... مسابقه تمرین می‌کنید؟
۲۶. همه‌ی روزهای هفته سرکار می‌روم، ..... جمعه که تعطیل است.
۲۷. آنها ..... شما لباس می‌پوشند.
۲۸. غذا سوخت. آنها ..... غذا ماندند.
۲۹. همه این غذا را دوست دارند، ..... دوست من.
۳۰. تو ..... خودکار زیباتر می‌نویسی.
۳۱. تو ..... خانه کار می‌کنی.
۳۲. او ..... استاد نامه نوشت.
۳۳. ما ..... دوستان به سفر نمی‌رویم.
۳۴. هیچ کس به این رستوران نمی‌رود، ..... او.
۳۵. بچه‌ها ..... آمدن فصل پاییز به مدرسه می‌روند.